

رسام ها

*رسام ها

قلب خاموش شب را

می دریدند

نوای بی گناهان

بر غمگینی دهکده

می افزود

شب از ظلمت

سخن می گفت

رسام ها

در سینه ها

می رقصیدند

نوا ها

موج می گرفتند

شلیک ها

فریاد ها را

می گشتند

*نوع مرمی سوزنده و آتش افروز

جسم ها
با ضربت سنگینگلو له ها
در زمینمی غلتیدند

سپیده گان صلح
با وجدان ذلت
می خندیدند
و می رقصیدند
و در زخم ها
شراب می ریختند
و درتن ها
مرمی می کاشتند

مادران می مردند
پدران در خون می خفتند
و کودکان در
آتشی سوختند
و سپیدار صلح
با پرچم سپید عدالت
به خیمهء
" خون و شراب"
بر می گشت.